



مرکز ملی باوردهای علمی و فناوری

سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان تنها مرجع حاکمیتی کشور در امور بندری، دریایی و کشتی‌رانی بازرگانی به منظور ایفای نقش مرجعیت دانشی خود و در راستای تحقق راهبردهای کلان نقشه جامع علمی کشور مبنی بر "حمایت از توسعه شبکه‌های تحقیقاتی و تسهیل انتقال و انتشار دانش و سامان‌دهی علمی" از طریق "استانداردسازی و اصلاح فرایندهای تولید، ثبت، داوری و سنجش و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه برای نشریات، اختراعات و اکتشافات پژوهشگران"، اقدام به ارایه این اثر در سایت SID می‌نماید.



سازمان بنادر و دریانوردی

تحلیل رژیم حقوقی دریای خزر از منظر حقوق بین الملل

اصغر روغنی شهرکی؛ کارشناس دریایی و کارشناس ارشد حقوق بین الملل
 حسین قهاری؛ کارشناس دریایی اداره کل بنادر و دریانوردی استان خوزستان -
 بندر امام خمینی(ره)

چکیده:

^{۱۲} از نظر استراتژیک، منطقه خزر به یکی از مهم ترین قسمت های جهان در سال های اخیر تبدیل شده است و همین امر باعث شد تا این منطقه توجه قدرت های منطقه ای و ابرقدرت های جهانی را به خود جلب نماید. منابع نفتی این منطقه بر اهمیت ژئوپولیتیک آن افزوده و آن را کانون توجه فعالیت های برتر دیپلماتیک و اقتصادی قرار داده اند. با همکاری فعال و مشارکت کشورهای ساحلی دریای خزر، این دریا در آینده نزدیک به نحو چشم گیری به مثابه صادر کننده عمده نفت خام به بازارهای انرژی جهانی ظاهر خواهد شد. این امر خود وابسته به تعیین رژیم حقوقی دریای نامبرده می باشد. زیرا "اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای خزر عامل پیچیده ای در توسعه و گسترش منابع این دریا بوده است و در نتیجه منابع آن به خوبی و به طور منطقی مورد بهره برداری قرار نمی گیرند.

کارشناسان بخش انرژی ایالات متحده امریکا تخمین می زنند که ^{۱۳} ذخایر نفتی دریای خزر شامل دویست بیلیون بشکه (یعنی حدود ۱۶٪ ذخایر جهانی) می باشد قریب به ۸۰٪ ماهی اوزن بون (ماهی خاویار) دنیا در دریای خزر قرار دارد. نفت را می توان در دیگر قسمت های جهان به دست آورد، حال آن که خاویار تنها در دریای خزر یافت می شود. بحث رژیم حقوقی

^{۱۲} -سایت حقوق

^{۱۳} تراز نامه انرژی منتشر شده توسط وزارت نیرو-۱۳۸۸

دریای خزر و حفظ حقوق و منافع ایران در منطقه، هر چند که با بروز تحولات بزرگ منطقه‌ای درگیر تلاطم سیاسی شد، اما به طور اساسی موضوعی حقوقی است و مطابق معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به دریاچه‌ها و دریاها، بسته مشترک میان کشورها، قواعد و تعاریف مشخصی دارد. کم‌سابقه بودن تغییر رژیم حقوقی یک دریای بسته از تقسیم دو جانبه به تقسیم پنج جانبه که به لحاظ اصل تاثیر تحولات اساسی در معاهدات بین‌المللی مطرح شده است، ما را نیازمند یک بررسی موشکافانه و پی‌گیری مجدانه در مورد این مساله می‌کند. دولت جمهوری اسلامی ایران با تشکیل مجامعی مرکب از کارشناسان ارشد حقوقی کشور، به بررسی و تحقیق اصولی این مساله توجه کامل داشته و با فراهم کردن مستندات معتبر به طرح مساله در مجامع و مراجع حقوقی بین‌المللی اقدام نموده تا مدعیات خود را اثبات کند.

کلمات کلیدی: حقوق، دریای خزر، کنوانسیون،

مقدمه:

^{۱۴} قدیمی‌ترین قراردادی که بین ایران و روسیه منعقد شده و به مسایل دریای خزر اشاره دارد، مربوط به ۱۷۳۲ میلادی است که مقرر می‌کند «چنان چه کشتی تجاری متعلق به اتباع روسیه در دریای خزر آسیب دیده و بیم آن می‌رود که خسارات هایی به اموال آن وارد شود، از دولت ایران انتظار می‌رود امکانات خود را به کار گیرد تا اموال، مورد سرقت قرار نگیرند و در حد امکان برای نجات کشتی کمک کند.» از طرف دیگر در این قرار داد از ایران خواسته شده است که اجازه توقف کشتی‌های تجاری روسی در بنادر خود را جهت تخلیه کالا و بارگیری قایل شود. در جریان دو جنگ ایران و روس، روسیه با تحمیل معاهده‌های گلستان و ترکمانچای در سال‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ میلادی، ایران را تحت فشار قرار داد و به حضور نظامی ایران لطمه

¹⁴ www.diplomatt.mihanblog.com

وارد کرد. با قرارداد گلستان ۱۸۱۳، دوره جدیدی از حضور ایران و روسیه در دریای خزر شروع می‌شود. دولت ایران به عنوان مغلوب در جنگ مقداری از سرزمین‌های حاشیه دریا را از دست می‌دهد و روسیه با تصاحب این سرزمین‌ها حضور خود را در دریای خزر تقویت می‌کند و باز هم به طور رسمی دریای خزر میان دو کشور روسیه در شمال و ایران در جنوب قرار می‌گیرد. ۱۵ سال بعد با معاهده ترکمانچای بخشی دیگر از سرزمین‌های ایران به روسیه واگذار شد، ولی هیچ یک از دو قرارداد، محدوده حاکمیت ایران و روسیه را در دریای خزر تعیین و مشخص نکرد و از آنجا که هیچ مرز آبی بین ایران و روسیه در دریای خزر معین نمی‌شود، می‌توان گفت حاکمیت مشترک بر دریا واقعیت پیدا می‌کند. معاهده ۱۹۲۱ پس از پیروزی انقلاب شوروی، با لغو انحصار کشتی رانی نظامی تعادل و توازنی در مناسبات دو کشور ساحلی به وجود می‌آورد. در این معاهده بدون این‌که دریای خزر به مناطق تحت حاکمیت ملی تقسیم شود، آزادی کشتی رانی برای هر دو کشور در پهنه دریای خزر به رسمیت شناخته می‌شود و حاکمیت مشترک و حق تصمیم‌گیری مشترک دو کشور ساحلی نسبت به سرنوشت دریای خزر، واقعیت پیدا می‌کند.

موافقت نامه ۱۹۲۷ میان دو کشور ساحلی درباره ماهی گیری در این دریا، تلاشی است که دو کشور در فاصله دو جنگ جهانی و به خصوص بعد از قرارداد ۱۹۲۱ برای عادی‌سازی مناسبات انجام می‌دهند؛ زیرا برای گسترش و توسعه مناسبات، یک مشکل وجود داشت و آن واگذاری امتیاز ماهی گیری سواحل جنوبی دریای خزر از طرف ایران به یک تبعه روسیه در اواخر قرن ۱ بود که حکومت شوروی بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ آن را به تملک خود درآورده بود. بعد از ۱۹۲۵ که اعتبار این امتیاز تمام شد، دولت ایران از تمدید مجدد آن خودداری کرد و دولت اتحاد جماهیر شوروی به ایران فشار می‌آورد که آن را تمدید کند. همین مساله باعث تیرگی روابط دو کشور شد. دولت انگلیس به عنوان رقیب دیرینه روسیه درصدد استفاده از شرایط برآمد و چون این مساله تهدیدی علیه دولت شوروی بود، همسایه شمالی ایران سیاست خود را تغییر داد و زمینه مساعد برای قرارداد ۱۹۲۷ در زمینه ماهی گیری را فراهم کرد. طبق

این معاهده یک شرکت مختلط بین ایران و اتحاد شوروی تاسیس شد و به این ترتیب، دو کشور بهره‌برداری مشترک از منابع دریای خزر را تجربه کردند. هم زمان با این موافقت نامه عهدنامه امنیت و بی‌طرفی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اول اکتبر ۱۹۲۷ در مسکو امضا شد. در فاصله میان دو جنگ جهانی، مناسبات ایران و آلمان باعث نگرانی عمیق اتحاد شوروی شد و دولت همسایه شمالی برای کاهش و یا جلوگیری از حضور کشورهای ثالث در ایران، سیاست توسعه مناسبات با ایران را در پیش گرفت. مذاکراتی برای توسعه همکاری شروع شد که نتیجه‌اش معاهدات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ است. این معاهدات، در رابطه با تجارت کشتی رانی و ماهی گیری در دریای خزر است. در همین معاهدات، ایران و اتحاد شوروی سوسیالیستی اعلام می‌کنند دریای خزر یک فضای آبی متعلق به دولت‌های ساحلی آن (ایران و اتحاد شوروی) است و به روی کشورهای ثالث بسته خواهد بود.

یکی از مهم ترین قراردادهای مربوط به این بحث، قرارداد بازرگانی ایران و شوروی در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ است که بر برابری حاکمیت دو کشور تاکید دارد. این قرارداد بعد از قرارداد ۱۹۲۱ دوباره برابری در آزادی کشتی رانی دو کشور را مورد تاکید قرار می‌دهد. این اصل، هیچ‌گاه بعد از ۱۹۹۱ مورد تردید واقع نشده است. معاهده ۱۹۴۰ با برابری رفتار نسبت به پرچم‌های دو کشور، اعمال حاکمیت مشترک را مورد تایید قرار می‌دهد؛ زیرا پرچم هر کشوری نماد حق حاکمیت آن دولت است و پذیرش اعمال و رفتار یکسان در قبال پرچم‌های هر دو کشور در دریای خزر، بیان گر این واقعیت است که دو کشور در پهنه آب‌های خزر دارای حق حاکمیت برابر هستند ولی این نشان دهنده تقسیم ۵۰ درصدی دریایی خزر نمی باشد. در همین معاهده، مجوزهای دریانوردی صادره توسط هر یک از دو دولت ساحلی پذیرفته است. با توجه به مقررات معاهده ۱۹۴۰، فعالیت شرکت مختلط ایران و روسیه که در ۱۹۲۷ تاسیس شده بود، به آب‌های ماورای منطقه انحصاری ماهی گیری محدود شد. دولت ایران پس از انقضای مدت قرارداد در سال ۱۹۵۳ از تمدید آن خودداری کرد. نظام حقوقی ماهی گیری به صورتی که در طول تاریخ مناسبات دو کشور ساحلی شکل گرفته و تا به امروز هم ادامه دارد،

یک نظام مخصوصی است که مبنای قراردادی دارد و با آنچه دریاها بستره و نیمه بستره محل می‌شود، متفاوت است. این امر یک‌بار دیگر نوعی حاکمیت مشترک را عنوان می‌کند که در آن ترتیب تصمیم‌گیری مشترک است؛ یعنی مسائل مربوط به دریای خزر با توافق و اراده دو دولت ساحلی در گذشته‌ها شکل قانونی یافته است. این نوع تصمیم‌گیری مشترک، دست‌کم از ۱۹۲۱ تا ۱۹۹۲ رعایت شده و مبنای ثابتی یافته است.

در قرارداد ۱۹۴۰ صرف نظر از یک نوار ده مایلی ساحلی که به طور انحصاری به کشور ساحلی تعلق دارد، صید ماهی در بقیه دریا برای هر دو کشور آزاد است. در قرارداد ۱۹۴۰ هم اصل تساوی حقوق دو کشور، اساس قرارداد است. البته در این مورد این سوال مطرح است که چرا این عهدنامه‌ها بر دو محور کشتی رانی و ماهی‌گیری تاکید دارند و چرا سایر منابع را مورد نظر قرار نداده‌اند؟ پاسخ این پرسش روشن است؛ در زمان انعقاد قرارداد مورد بحث، نمونه‌های بارزی از حقوق متصور کشتی رانی و ماهی‌گیری بود و هنوز منابع و ذخایر متنوع دیگر به ویژه نفت و گاز کشف نشده بودند. باید روح کلی حاکم بر عهدنامه را از کشتی رانی و ماهی‌گیری استنتاج کرد و این روح کلی، مشاع و مشترک بودن با حقوق مساوی است. طرفین در اسناد بسیاری که تنظیم کرده‌اند و در این معاهدات هم مکرر به چشم می‌خورد، از دریای ایران و شوروی یاد می‌کنند. فصل سوم عهدنامه مودت ۱۹۲۱، مقرر می‌کند طرفین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی بهره‌مند خواهند شد. آب‌های سرحدی در این فصل نمی‌تواند غیر از دریای خزر باشد که باید به نحو مساوی از آن بهره‌مند شوند. از مجموع مدارک و اسناد و سوابق، این نتیجه حاصل می‌شود که دریای خزر رژیم حقوقی دارد و طرفین، یعنی جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق، با حقوق مساوی، مشترک و مشاع در تمامی منابع و حقوق متصوره صاحب حق هستند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز مقید و متعهد بودن جمهوری‌های جدید به مفاد معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و احترام به رژیم حقوقی موجود، ناشی از حقوق بین‌المللی عمومی است و این کشورها به صورت رسمی در بیانیه آلمانی ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ این حقوق را مورد تاکید قرار داده‌اند. تمام

دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع نیز اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای شوروی سابق را تضمین کرده‌اند و برابر سند شماره A/۴۹/۴۷۵ مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۴ و نظریه رسمی فدراسیون روسیه به عنوان جانشین شوروی سابق، جمهوری‌های جدید ساحلی دریای خزر هم باید معاهده ۱۹۴۰ و ۱۹۲۱ را پذیرفته باشند. به نظر می‌رسید علاقه شدید جمهوری اسلامی به محیط صلح و آرامش و اظهار دوستی و صمیمیت با تمام دولت‌های همسایه، به خصوص روابط نزدیک با فدراسیون روسیه این باور را در کشورهای مربوط به دریای خزر پیش آورده که جمهوری اسلامی ایران در ابقای حقوق خود در دریای خزر جدی نیست یا به لحاظ تغییر اوضاع و احوال، سعی در اجرای رژیم حقوقی سابق را ندارد و دنبال رژیم حقوقی جدیدی برای دریای خزر است.

وضعیت حقوقی دریای خزر و رژیم حقوقی آن:

وضعیت حقوقی دریای خزر و رژیم حقوقی آن با چهار مشکل عمده روبه رو است که به قرار زیر است

الف) فقدان یک موافقت‌نامه همه جانبه (کلی) در مورد بهره‌برداری از منابع دریای خزر؛

ب) مشکلات ناشی از دریانوردی و کشتی رانی آزاد؛

پ) مشکلات مربوط به محیط زیست دریای خزر؛ و

ت) مسایل مربوط به ماهی گیری (شیلات) و حفاظت از منابع بیولوژی دریای خزر.

در حال حاضر دو معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰- منعقد شده بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی- حاکم بر وضعیت حقوقی دریای خزر هستند. این دو معاهده هنوز به طور رسمی از درجه اعتبار ساقط نشده‌اند؛ زیرا هیچ‌گونه سندی جدید در مورد ارایه مبنایی برای رژیم حقوقی این دریا تنظیم نشده است. تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و افزایش تعداد اعضای دولت‌های ساحلی

دریای خزر هیچ‌گونه تغییری در وضعیت حقوقی این دریا ایجاد نکرده است و تنها سبب بروز پاره‌ای ادعاهای یک‌جانبه از سوی دولت‌های ساحلی شده‌است. "فدراسیون روسیه از دید جهانی و بین‌المللی وارث تعهدات و الزام‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌باشد." براساس مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل تغییر در تعداد طرفین یک معاهده هیچ‌گونه تاثیری بر وضعیت حقوقی آن ندارد؛ یعنی وضعیت حقوقی دریای خزر همان‌گونه که بر اساس دو معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بوده، ادامه می‌یابد مگر این که معاهده جدیدی در خصوص تغییر این رژیم حقوقی منعقد شود که در این صورت معاهده جدید حاکم خواهد بود (البته در مورد آن قسمت‌هایی از معاهده سابق که نسخ شده‌باشد). بنابراین وضعیت حقوقی دریای خزر هم‌چنان تابع معاهده‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰- منعقد بین ایران و شوروی- می‌باشد. این موضوع را نه تنها حقوق بین‌الملل، بلکه بیانیه آلمانی (۲۱ دسامبر ۱۹۹۱) نیز تایید می‌کند. در نتیجه هرگونه اقدام یک‌جانبه در مورد تعیین سهم، تقسیم‌های منطقه‌ای، نحوه بهره‌داری دور از ساحل و اجازه دادن به کشورهای غیر هم‌جوار برای انجام فعالیت‌های مشابه رژیم حقوقی دریای خزر را نقض می‌کند. در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر برخی از دولت‌های ساحلی این دریا و پاره‌ای از نویسندگان به کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریا (۱۹۸۲) استناد کرده‌اند و خواهان تعیین رژیم حقوقی این دریا بر اساس کنوانسیون نامبرده هستند. در این بخش به بررسی این سوال پرداختیم که آیا می‌توان برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر به کنوانسیون ۱۹۸۲ استناد کرد یا نه؟ و در صورت استفاده از آن بایستی بر اساس کدام اصل حقوقی در این باره اعلام نظر کرد.

۱۵ ماهیت کنوانسیون ۱۹۸۲^{۱۶}

حقوق دریا از قسمت‌های مهم حقوق بین‌الملل است. کنوانسیون ۱۹۸۲ سند جامع

¹⁵ www.hoqouq.com سایت حقوق

¹⁶ Law of the sea

واحدی است در مورد حقوق دریا که موافقت‌نامه ژوئیه ۱۹۹۴ آن را کامل کرده است. مسایل مهمی چون حدود مناطق دریایی، کشتی رانی، منابع دریاها و محیط‌زیست اکنون به طور تقریبی حل شده اند. به طور تقریب مسایلی که امروزه در ارتباط با امور دریایی بروز می‌نماید- به طور مستقیم یا غیر مستقیم- تحت تاثیر مطالب این کنوانسیون می‌باشد. کنوانسیون نام‌برده به منزله تدوین، تحکیم، توسعه مترقیانه و تجدید نظر یا اصلاح آگاهانه حقوق دریاهاست. این کنوانسیون را می‌توان- با توجه به جامعیت و فراگیری آن- "قانون اساسی دریا" نامید و همانند یک چتر تمام امور و مسایل دریایی را به زیر سایه خویش درآورده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا، آن چنان که از عنوان تعیین شده بر می‌آید به دریا می‌باشد. "یکی از ویژگی‌های مناطقی که حقوق دریا در مورد آن ها اعمال می‌شود این است که مناطق مزبور به اقیانوس های جهانی مرتبط هستند" و به آب های آزاد دنیا راه دارند. (در بحث بعدی پیرامون دریا و دریاچه در این خصوص بیش تر توضیح داده خواهد شد).

دریای خزر در اصطلاح حقوقی: دریا (Sea) یا دریاچه (Lake)؟

دریای خزر از کانال های ایجاد شده از طریق رودخانه‌های ولگا، دنپر و دن به دریا‌های سیاه و سفید و دریاچه‌های بالتیک متصل است. اگر چه از نظر تاریخی خزر را دریا می‌نامند؛ لکن اکثر زمین‌شناسان آن را دریاچه^{۱۷} می‌دانند اما چه فرقی می‌کند؟ دریا یا دریاچه؟ آیا از نظر حقوقی فرقی دارد؟ در این مبحث به بررسی دریا یا دریاچه بودن دریای خزر می‌پردازیم و آثار مترتب بر هر یک از این دو را در حقوق بین‌الملل بررسی می‌کنیم. یکی از ویژگی های دریا این است که این مناطق با اقیانوس های جهان و دریا‌های آزاد مرتبط هستند و برای رسیدن به این مناطق ضرورتی ندارد که از آب های داخلی یک دولت عبور کرد. حال آن که دریاچه مجموعه‌ای است از آب هایی که به دریای آزاد راه ندارد. دریای خزر ویژگی دریابودن را ندارد، اگر چه تنها از طریق کانال ها و راه های آبی در قلمرو فدراسیون روسیه قابل

¹⁷ lake

دسترسی است. در این معنا وضعیت دریای خزر شبیه وضعیت دریاچه‌ها می‌باشد. بنابراین دریای خزر در گروه دریاچه‌ها جای دارد، نه در گروه دریاها.

اگر دریای خزر را در گروه دریاها بدانیم، آن‌گاه مقررات کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریا (۱۹۸۲) در خصوص این دریا قابل اعمال خواهد بود. براساس مقررات ذیصلاح این کنوانسیون - در مورد ما نحن فیه - هر دولت ساحلی از یک دریای سرزمینی (که متجاوز از ۱۲ مایل نباشد)، یک منطقه انحصاری و اقتصادی (که متجاوز از ۲۰۰ مایل نباشد) و یک فلات قاره برخوردار خواهد بود. با وجود این، باید در نظر داشت که حداکثر عرض دریای خزر متجاوز از ۲۰۰ مایل نیست؛ ماده ۱۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد که دریای سرزمینی دولت‌های دارای ساحل مجاور یا مقابل نباید متجاوز از "ماورای خط منحنی باشد که هر نقطه از آن از نزدیک‌ترین نقاط به خطوط مبدايي که از آن‌ها عرض دریای سرزمینی هر یک از دولت‌ها اندازه گرفته می‌شود، یکسان باشد". دریای خزر - علاوه بر این که به آب‌های آزاد جهان مرتبط نیست - از این جهت که به طور انحصاری متعلق به دول ساحلی است و هیچ‌گونه حق دسترسی برای دیگر دولت‌ها وجود ندارد، دریا محسوب نمی‌شود و در نتیجه حقوق دریا در مورد آن قابل اعمال نیست بنابراین از نظر ترمینولوژی حقوقی دریای خزر دریاچه قلمداد می‌شود و هیچ‌گونه مبنایی برای ایجاد مناطق دریایی در آن وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان به منظور تعیین مناطق دریایی (از قبیل: منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره و ...) در دریای خزر به مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا استناد کرد. افزون بر آن ماده ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا در مورد این که دریاچه‌هایی از قبیل دریای خزر از دایره شمول این کنوانسیون خارج هستند، صراحت دارد. هنگام مذاکره در مورد این ماده، هم ایران و هم شوروی از روی عمد تلاش کردند تا این استثنا را وارد و دریاچه خزر را از تحت قلمرو کنوانسیون نامبرده خارج نمایند. در آن زمان سیاست ایران و اتحاد جماهیر شوروی بر این بود تا این مجموعه آب را به عنوان دریاچه برای هر دو کشور نگه‌دارند. بنابراین، کنوانسیون حقوق دریا به طور قطع در مورد دریای خزر قابل اعمال نیست. با وجود این به نظر می‌رسد که اصل

همکاری- که در ماده ۱۲۳ مقرر شده- یک اصل حقوقی عرفی است که تمام دولت های ساحلی را متعهد و ملزم می سازد تا بر مبنای روحیه همکاری و اجماع عمل کنند. هر نوع تصمیم یک جانبه برخی از دولت های ساحلی این دریا از نظر حقوقی قابل توجیه نیست.

Archive of SID

Article 123

Co-operation of States bordering enclosed or semi-enclosed seas States bordering an enclosed or semi-enclosed sea should co-operate with each other in the exercise of their rights and in the performance of their duties under this Convention. To this end they shall endeavour, directly or through an appropriate regional organization:

- (a) to co-ordinate the management, conservation, exploration and exploitation of the living resources of the sea;
- (b) to co-ordinate the implementation of their rights and duties with respect to the protection and preservation of the marine environment;
- (c) to co-ordinate their scientific research policies and undertake where appropriate joint programmes of scientific research in the area;
- (d) to invite, as appropriate, other interested States or international organizations to co-operate with them in furtherance of the provisions of this article.

به نظر می‌رسد که^{۱۸} اقدام های یک جانبه آذربایجان (انعقاد قرار نفتی ملقب به قرارداد AIOC) مبتنی بر کنوانسیون ۱۹۵۸ (فلات قاره) و کنوانسیون ۱۹۸۲ (حقوق دریا) باشد. لکن این موضع برداشت صحیحی از این اسناد نیست، زیرا که اسناد مزبور به دریاهای آزاد مربوط می‌شوند که به یک اقیانوس یا یک دریای دیگر مرتبط هستند. لذا این اسناد در مورد دریای خزر اعمال نمی‌شوند؛ چرا که این دریا مجموعه‌ای از آب های بسته است

اما اگر دریای خزر را دریاچه بدانیم، در صورت فقدان یک کنوانسیون بین‌المللی در این باره، عرف های بین‌المللی - به عنوان رویه عمومی که به مثابه قانون پذیر شده‌اند - منبع اصلی و اولیه ایجاد رژیم حقوقی دریای خزر خواهند بود. رویه تحدید حدود دریاچه‌های بین دول ساحلی به طور قطع نشان می‌دهد که این دریاچه‌ها به گونه‌ای تقسیم می‌شوند که هر دولت ساحلی از حاکمیت انحصاری بر منابع بیولوژیکی و طبیعی، آب های سطحی و کشتی رانی در مناطق ملی... و با رعایت اصل انصاف برخوردار است. برای نمونه این اصول به طور عمومی در تقسیم دریاچه‌های بزرگ بین ایالات متحد و کانادا، دریاچه چاد بین کامرون،

¹⁸ www.diplomatt.mihanblog.com

چاد، نیجر و نیجریه، دریاچه مالایو بین مالایو، موزامبیک و تانزانیا، دریاچه ژنو بین سوییس و فرانسه اعمال شدند. با توجه به روشن شدن نوع اعمال رژیم حقوقی در دریای مذکور و توجه به این مهم که تاکنون در مورد رژیم حقوقی دریای خزر بحث‌هایی صورت گرفته و اظهارنظرهایی می‌شود. کشورهای قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان و روسیه فدرال حق دارند تکلیف و سهم خود را در رژیم حقوقی دریای خزر مشخص کنند؛ زیرا از تولد آن‌ها حدود ۱۲ سال می‌گذرد و باید بدانند چه سهمی به آن‌ها می‌رسد؛ ولی حقی را که به دنبال آن هستند، نمی‌توانند به تمایل خود معین کنند. در زیر به برخی از نکاتی که تمامی ابهام‌های موجود در بحث مذکور را روشن می‌نماید اشاره شده است. جمهوری اسلامی ایران از یک طرف و مجموع چهار کشور استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی سابق از طرف دیگر با حقوق مساوی، مشترک و مشاع، در تمامی منابع سطح دریاچه، منابع آبی، بستر و زیر بستر آن ذی‌حق هستند. براساس حقوق بین‌الملل عمومی و کنوانسیون حقوق دریاها، رژیم حقوقی دریاچه‌ها یا دریاها بستگی دارد که دارای دو یا چند دولت ساحلی هستند، توسط عهدنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه‌ای که بین دولت‌های ساحلی منعقد می‌شود باید معین شود و این کار در مورد دریای خزر میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی ولو به طور ناقص انجام گرفته است. آن چه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پیش آمده، تحت تاثیر دخالت‌های فرصت‌طلبانه و سودجویانه کشورهایی است که قصد دارند کشورهای تازه تاسیس اطراف دریای خزر را تحریک کنند تا با آن‌ها وارد انعقاد قرارداد شده و منافی برای خود در این دریای بسته به وجود آورند. تاریخ طولانی گذشته دریای خزر، نشان دهنده این واقعیت است که بعد از تثبیت حاکمیت دولت‌های ایران و روسیه تا امتداد فضاهای ساحلی این دریاچه، همیشه این دو کشور به صورت مشترک صاحب حق بوده‌اند.

البته در سال‌های اخیر دولت مردان ایران در مناسبات مختلف سهم ایران از دریای خزر را مقادیر مختلفی عنوان کرده اند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر به ترتیب واقع شدن اشاره نمود. یادآوری این نکته نیز قابل توجه است که بیان سهم ایران در مناسبت‌های

بین‌المللی بایستی بر مبنای معاهدات و رعایت اصل انصاف باشد به دلیل این که اعلام این نکات در مقام نمایندگان قانونی ایران می‌تواند باعث سوء استفاده کشورهای ساحلی شده و با اعلام مورد تایید بودن این سهم توسط دولت ایران بتوانند سهم خود را افزایش داده و سهم ایران را تقلیل دهند.

^{۱۹} - به گزارش ایرنا، «منوچهر متکی» روز یکشنبه مورخ ۸۶/۱۰/۱۰ در حاشیه جشن عید غدیر در وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با خبرنگاران، برخی خبرها و اظهار نظرها مبنی بر این که ایران نیمی از سهم دریای خزر را در گذشته در اختیار داشته است، رد کرد. رییس دستگاه دیپلماسی وقت ایران، این اظهارات را از سوی دشمنان ملت ایران و کسانی دانست که از نقش ایران در مناسبات منطقه ناراحت هستند. وی خاطرنشان کرد؛ بهره برداری ایران از دریای خزر هرگز از ۱۱/۳ درصد فراتر نرفته است. متکی به تدوین رژیم حقوقی دریای خزر اشاره کرد و گفت؛ تدوین رژیم حقوقی این دریا در دستور کار ایران، ترکمنستان و آذربایجان است و سهم هر یک از این کشورها براساس اصل انصاف و تعیین مرزهای زیربستر برای بهره برداری از منابع این دریا صورت می‌گیرد. وزیر خارجه سهم قزاقستان از دریای خزر را ۲۴ درصد عنوان کرد و گفت؛ سهم روسیه نیز زیر ۲۰ درصد است و کشورهای ترکمنستان و آذربایجان نیز کمتر از ۲۰ درصد سهم دارند. اما اظهارات منوچهر متکی با ابراز شگفتی و در عین حال انتقاد کارشناسان سیاسی و حقوقی مواجه شد چرا که از دید کارشناسان حقوقی در این زمینه قراردادهایی بین ایران و شوروی سابق وجود دارد که بر سهم مساوی دو کشور در بهره برداری از دریای خزر تاکید دارد و در عین حال کارشناسان سیاسی هم بیان چنین موضعی را باعث تضعیف موضع ایران در قبال مذاکرات آتی تعیین رژیم حقوقی خزر و گستاخ شدن کشورهای جدید التاسیس این منطقه می‌دانند. به نظر می‌رسد ^{۲۰} مبنای تقسیم بندی آقای متکی بر اساس خط عبوری

^{۱۹} خبرگزاری ایرنا- ۸۶/۱۰/۱۰

^{۲۰} نقل از مقاله رژیم حقوقی دریای خزر www.pishgo.wordpress.com

مرزی از آستارا-حسینقلی است که هرگز در مناسبات ایران و روسیه مطرح نبوده و فقط مربوط به انتقال و نگهداری هواپیما از فراز مرز دریایی بوده است.

۲-^{۲۱} سخن گوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در سال ۸۸ در تاریخ ۸۸/۷/۱۶ بیان نمود: سهم ایران در دریای خزر ۲۰ درصد است.

۳- سخن گوی وزارت خارجه ایران در مورخ ۸۹/۸/۲۵ در خصوص احتمال تغییر سهم ایران در دریای خزر تاکید کرد: نماینده جمهوری اسلامی ایران در تدوین رژیم حقوقی دریای خزر تا حداکثر منافع کشور تامین نشود با هیچ مدلی برای تقسیم‌بندی این دریا موافقت نخواهد کرد.

رامین مهمانپرست، سخن گوی وزارت خارجه در خصوص نگرانی‌هایی که پیرامون احتمال کاهش سهم ۲۰ درصدی ایران در دریای خزر در تدوین رژیم حقوقی این دریا وجود دارد، تصریح کرد: نشست‌های تدوین رژیم حقوقی دریای خزر با این هدف برگزار می‌شود که رژیم حقوقی این دریا تدوین گردد به نظر می‌رسد دولت مردان نیز بیش تر بر سهم ۲۰ درصدی ایران از دریای خزر تاکید دارند که مقداری از سهم ۵۰ درصدی اعلامی توسط برخی حقوق دانان و سیاست مداران به اصل انصاف نزدیک تر است.

نتیجه گیری:

به هر حال با توجه به آن چه که گفته شد چنین بر می‌آید که ادعای پاره‌ای از دولت های ساحلی و برخی از نویسندگان مبنی بر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر بر اساس کنوانسیون

^{۲۱} آرشیو خبرگزاری فارس ۱۳۸۸

۱۹۸۲ حقوق دریا فاقد وجاهت حقوقی و قانونی می‌باشد.^{۲۲} و نیز اگر بخواهیم حتی بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ با موضوع برخورد نماییم به طور کلی در مواردی که عهد نامه حقوق دریاها نیز حقوق یا صلاحیتی را به کشور های ساحلی اختصاص نداده باشد و تعارضی میان منافع کشور ساحلی و سایر کشور ها پیش آید باید بر اساس اصل انصاف و در نظر گرفتن کلیه شرایط و اوضاع و احوال و اهمیتی که منافع مورد نظر برای طرفین صاحب نفع و کل جامعه بین الملل دارد حل و فصل گردد. و نیز در تقسیم این منطقه مهم اقتصادی منافع کلیه کشورهای همسایه را در نظر گرفت. باید پذیرفت که همکاری تنگاتنگ تمام دول ساحلی دریای خزر ضروری و لازم است (برای نمونه در مورد منابع هیدروکربن، شیلات و مسایل زیست محیطی). نیاز به چنین همکاری هرگز به منزله انتفای حاکمیت یا صلاحیت دولت ساحلی بر مناطقی نیست که دولت ساحلی بر طبق مقررات حقوق بین الملل حاکمیت و صلاحیت خود را بر آن ها اعمال می‌نماید. ضرورت این همکاری مورد پذیرش تمام دول ساحلی دریای خزر قرار گرفته است با وجود این عدم توافق در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به مانع عمده‌ای برای توسعه این هم کاری تبدیل شده است. با توجه به اصل حقوقی و عرفی رعایت انصاف به خصوص در استفاده از منابع آبی جهان که از دیر باز مورد تایید کشور ها قرار گرفته است.

پیشنهادها :

اعلام این که سهم ایران بر اساس معاهدات قبلی ۵۰ درصد می باشد قانونی نمی باشد و به نظر بهترین سهم در نظر گرفته شده برای کشور های حاشیه ای رعایت اصل انصاف می باشد که این امر بایستی با کار کارشناسی همراه بوده و کلیه منابع موجود تحلیل و سپس تقسیم بندی جدیدی انجام گیرد. که ممکن است سهم کشوری ۱۸ درصد و سهم کشوری دیگر ۲۲ درصد و... باشد ولی رعایت این اصل نبایستی نادیده انگاشته شود.

^{۲۲} حقوق بین الملل عمومی ضیایی بیگدلی ۳۳۸

پیشنهاد دیگری که می تواند مفید فایده باشد^{۲۳} تعیین حد ۱۰ مایلی برای هر یک از کشور های ساحلی و تاسیس نهاد استفاده مشترک توسط کلیه کشور های عضو بر اساس توافق نامه های چند جانبه و توضیح عادلانه و مساوی در آمد های حاصله باشد. شاید بتوان با انعقاد معاهده ای - پنج جانبه و متناسب با نیازهای امروز - سرنوشت رژیم حقوقی دریای خزر را تعیین کرد و تا آن زمان می توان بر اساس سیستم "بهره برداری مشترک" عمل کرد؛ به این صورت که کارگزارانی متشکل از اتباع تمام دولت های ساحلی به بهره داری از منابع این دریا بپردازند و درآمد حاصله را بین خود (بر اساس کار، سرمایه و نیروی انسانی و ...) تقسیم نمایند.

^{۲۳} استخراجی از قرارداد ۱۹۴۰

منابع:

- ۱- کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها
- ۲- رابین رولف چرچیل، حقوق بین الملل دریایی مترجم بهمن آقایی گنج دانش ۱۳۸۸
- ۳- آرشیو خبر نامه های فارس، ایرنا و سایر خبرگزاری های معتبر داخلی
- ۴- سایت سازمان بنادر و دریانوردی (www.pmo.ir)
- ۵- ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴
- ۶- سایت حقوق - www.hoquq.com
- ۷- سایت www.diplomatt.mihanblog.com
- ۸- سایت www.pishgo.wordpress.com

Archive of SID